

متن پرسش

بسم رب الشهداء سلام خدمت استاد عزیز: نمی دانم از کجا شروع کنم ۲ سال هست که دلم هوایی این شده که به سوریه بروم. نظرات شما را هم در مورد به سوریه رفتن خوانده ام. اما استاد چند مورد هست و اینکه اگر همه بگوییم احتیاجی فعلا نیست و نرویم که آنجا واقعا بی یار خواهد ماند، و همچنین نمی توانم فریاد کمک شیعیان و مسلمانان آنجا را بشنوم و به یاری شان نروم. در آخر هم این مورد که هر بار به سوریه رفتن فکر می کنم تمام تعلقات و آنچه از زندگی مثل پدر و مادر و بقیه زیبایی ها جلوی چشمم میاد. اما اتفاقاً وقتی کتاب معاد شما و همچنین سخنان شهید آوینی را خواندم به این نکته رسیدم همین که به هر دلیلی دنبال این باشم که نروم یک مقدار فریب دادن خودم هست! مگر در معاد یاد نمی گیریم مرگ ما هر جا باشد همان جا قرار خواهد گرفت، استاد اگر مرگ من در سوریه باشد هیچ راه فراری نیست ولی اینکه بخواهم خودم را به نام وظیفه گول بزنم خیلی برایم گران است، اینجا ذره ای مفید نیست حداقل شاید اونجا به اندازه یک سنگر شنی موثر باشم!!! استاد البته دروغ نباشد گاهی هم خوب خوب که نگاه می کنم می بینم که تو به خاطر شهوت شهادت (منظورم اینه که تحت جو، و اینکه وقتی عکس و فیلم شهدا را نشون میدن من هم خوشم میاد اینطوری باشم) خلاصه حاجی فکر نمی کنم دیوانه ایی مثل من پیدا بشه!!! کاش راهنماییم کنید... می خواهم ان شاءالله بعد از اربعین اگر خانم حضرت زینب سلام الله علیها قبول کنند به سوریه بروم... می دانم اینجا وظیفه هست ولی مثل اینکه از آنجا هم صدایم می کنند... خواهش می کنم برایم ویژه دعا کنید که وظیفه ام را بفهمم و درست انجام دهم و آخر عاقبت به خیر شوم... اگر صلاح دانستید خصوصی جواب دهید. تشکر یا علی مدد

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده دعا می کنم خداوند توفیق بهترین انتخاب را به شما لطف کند و اگر مصلحت شما حضور در سوریه است تا در آنجا خود را بیابید و آن صدا را جواب دهید، توفیق کامل در این مورد نصیب شما بشود. موفق باشید